آمدیم بر سر سخن این هفت ستاره اند یکی سبک و دیگر سنگین و یکی سعد و یکی نحس یکی ماهست که از فلک اول
بتابد بهر برجی دو روز و نیم مقام کند و همه فلک را بیک ماه بر دو قطع کند دوم عطارد است که از فلک دوم بتابد
در هر برجی پانزده روز مقام کند و همه فلک را بشش ماه قطع کند سیوم زهره است که از فلک سیوم بتابد
بهر برجی بیست و پنج روز مقام کند و همه فلک را بده ماه قطع کند چهارم آفتاب است که از فلک چهارم
بتابد و در هر برجی ماهی مقام کند و همه فلک را بسالی قطع کند پنجم مریخ است که از فلک پنجم بتابد بهر
برجی پنجاه روز مقام کند و همه فلک را بیک سال و نیم قطع کند ششم مشتری است که از فلک ششم
بتابد بهر برجی سالی مقام کند و همه فلک را بدوازده سال قطع کند هفتم زحل است که از فلک
هفتم بتابد بهر برجی دو سال و نیم مقام کند و همه فلک را بسی سال قطع کند اشارت اندرین
آنست که امت محمد علیه الصلوة و السلام بر هفت قسم اند صدیقان و عالمان و ابدالان و شهیدان و درویشان
و مطیعان و عاصیان صدیقان از صراط سه هزار ساله چون برق بگذرند عالمان چون باد بگذرند
درویشان بساعتی و ابدالان چون مرغ بگذرند بزمانی و شهیدان چون اسب تازی بگذرند به نیم روز و
مطیعان بماهی بگذرند و عاصیان قدم بر صراط نهند بار گناه بر گردن و سر در پیش می جنبد و می افتند
آتش حمله کند عاصی را بگیرد نور ایمان حمله آید که آتش را بگیرد دوزخ بانگ کند که جز یا مؤمن
فان نورک قد اطفأ لهبی زود بگذر یا مؤمن که نور دل تو آتش من کشت سبحان [illegible]

مقاله سیوم

در معرفت ابعاد و اجرام برصد و حساب معلوم کرده اند که در زمین یعنی محیط عظیمه که
بزمین فرض کنند هشت هزار فرسنگ است هر فرسنگی سه میل و هر میلی سه هزار گز و هر گزی سی و دو
اصبع است و هر اصبعی مقدار عرض شش جو است معتدل و هر جوی شش تار موی یال است و قطر زمین
دو هزار و چهارصد و چهل و پنج فرسنگ است و مساحت تمام روی زمین بیست هزار بار هزار و
سیصد و شصت و سه هزار و ششصد و سی و شش فرسنگ است و مساحت مقدار معمور از
روی زمین چهار هزار بار و هزار و ششصد و هفتاد و شش هزار و هفتصد و چهل فرسنگ است
و بعد مقعر فلک قمر از مرکز عالم چهل و یکهزار و نهصد و سی و شش فرسنگ است و بعد محدب
فلک قمر که مقعر فلک عطارد است از مرکز عالم هشتاد و پنج هزار و هفتصد و سه فرسنگ است و
بعد محدب فلک عطارد که مقعر فلک زهره است دویست و هفتاد و پنج هزار و سیصد و هشتاد فرسنگ
است و بعد محدب فلک زهره که مقعر فلک شمس است هزار بار هزار و هشتصد و چهل و هشت هزار
هشتصد و هفتاد و دو فرسنگ و بعد محدب فلک شمس که مقعر فلک مریخ است دو هزار بار هزار و
بیست و هفت هزار و نهصد و سی و چهار فرسنگ است و بعد محدب فلک مریخ که مقعر فلک
مشتری است چهارده هزار بار هزار و هفتصد و هفتاد هزار و سیصد و هفتاد و چهار فرسنگ است
و بعد محدب فلک مشتری که مقعر فلک زحل است بیست و سه هزار بار هزار و نهصد و نود و
یکهزار و دویست و پانزده فرسنگ است و بعد محدب فلک زحل که مقعر فلک ثوابت است سی و سه
هزار بار هزار و پانصد و نه هزار و صد و هشتاد و هشت فرسنگ است و جرم او سیصد و
بیست برابر جرم زمین است و بعد محدب فلک ثوابت که مقعر فلک اعظم است سی و سه هزار
بار و هزار پانصد و بیست و چهار هزار و ششصد و نه فرسنگ است اما محدب فلک اعظم را جز
خدای تعالی کس نداند

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)